

((خطیب تبریزی و آثار او))

ابوزکریا یحیی بن علی معروف بخطیب تبریزی در سال ۴۲۱ هجری هنگام ظهور سلجوقیان آسیای شمالی، در تبریز متولد شده است. او در میان شعر و علمائیکه شیوه انتقاد و تحلیل را در ادبیات فارسی و عربی اتخاذ کرده بودند پیشقدم بوده است و آثارش در علوم عروض و قافیه دارای اهمیت بسزائی میباشد.

بنوشته یاقوت حموی او یکی از ائمه لغت و مشاهیر ادبای عرب و در علم عروض و قافیه استاد بی نظیری است. آثاریکه خطیب در علوم مختلفه مخصوصا عروض و قافیه از خود باقی گذاشته نسبت بشعرای مشرق زمین مثل خمسة نظامی گنجوی نمونه و سرمشقی محسوب میشود.

هنگام مطالعه و مذاقه در ادبیات شرق باهرج و مرج و وضع مدهش و خسته کنندای مواجه میشویم که مسبب آن تذکره نویسان بی اطلاع میباشدند. نه تنها ادبیات بلکه تاریخهای سیاسی و اجتماعی نیز گرفتار این نقص و دارای نکات مبهم و نامفهومی هستند.

علمای تذکره نویس بدون در نظر گرفتن زمان و مکان و تفکیک (ادیب، شاعر، متفکر، فیلسوف) از یکدیگر و بدون توجه بقرائن و تباین تاریخی هر کدام، به بحث خود ادامه داده و ترجمه حال اغلب آنها را بهم دیگر مخلوط کرده اند. مثلا بعضی از آنها آثار «خطیب تبریزی» و «خطیب بن نباته» و یا آثار «خطیب بن نباته» و «خطیب خلخالی» را بهم آمیخته اند.

و در نتیجه همین عدم توجه و سهل انگاریهای تذکره نویسان است که ما امروز از آثار متفکر بزرگ شرق «شمس الدین» تبریزی که مبین شخصیت و افکار و عقاید او باشد اطلاعی در دست نداریم؛ چونکه آنان «شمس الدین تبریزی» را باعلما و فلاسفه همنامی مثل: «شمس الدین خلخالی»، «شمس الدین عبدالعزیز»، «شمس الدین محمد بن احمد حنبلی»، «شمس الدین سمرقندی»، «شمس الدین فنالی»، «شمس الدین کرمانی» اشتباه کرده اند.

تذکره نویسانی سراغ داریم که از راه خطا اشعار «منحفی خانم» شاعره

هندوستان را به «مخفی» شاعر قره باغ نسبت داده‌اند.

مجموع این احوال و نظایر آن مستشرقین اروپائی را بحیرت انداخته و غالباً بتحقیقاتشان لطمه وارد ساخته است. مثلاً از شرقشناسان و انبرغ، نامی نتوانسته است بین ریاضی دان معروف «ابونصر عراقی» و فیلسوف «مشهور» ابونصر فارابی، فرقی قائل شود. بادر نظر گرفتن مراتب مذکور اینک ترجمه حال عالم و متفکر مشهور تبریز

را بطور اختصار نوشته و بتعیین ارزش آثار : علمی، ادبی، بدیعی او میپردازیم:

خطیب تبریزی تحصیلات ابتدائی خود را تحت نظر معلمین تبریز در مدرسه «شیخ ابوسلمه» و تحصیلات عالیش را نزد علمای مشهور عرب از قبیل «ابوالعلاء معری» و «ابوالقاسم عهدالله بن علی الرقی»، «حسن بن رجابن الدهان»، «ابن برهان»، «عبدالقاهر جرجانی» بانام رسانیده است (۱)

آثار خطیب تبریزی :

اولین اثر او شرحهائی است که برده قصیده «مختاره» شاعر معروف عرب نوشته است که در ادبیات عرب از او این آثار انتقادی بشمار میرود. او مؤلف کتابی بنام «شرح اللمع» (۲) نیز میباشد که از کتب کلاس مدارس عرب بوده و تا امروز بقوت و اعتبار خود باقی است. سه کتاب در علم عروض و قافیه بنام «العروض والقوافی» نیز از تالیفات اوست. کتب مذکور در عصر خود خطیب و بعدها مورد استفاده بیست و پنج عالم مشهور قرار گرفته و در جهان ادب شهرت بسزائی کسب کرده است

بغیر از آثار مذکور خطیب کتب مفید علمی بیشتری از قبیل: «شرح دیوان الحماسه» (۳)، «شرح دیوان المتنبی»، «ابوتمام الطائی» «تهذیب اصلاح المنطق»

۱ - باقوت در مورد مسافرت خطیب از تبریز بیفداد و تعقیب تحصیل او مینویسد که روزی نسخه «تهذیب اللغه ازهری» بدست او رسید و محتاج بتحقیق معانی آن گردید و جهت رفع اشکالات خود از ابوالعلاء معری کتابها را در توبره ای جا بجا کرد و بر پشت نهاد و پا پیاده راه معره شام و بیفداد را پیش گرفت. در عرض راه عرق پشتش بکتابها نفوذ کرده و هنگامیکه بیفداد رسید و کتابها را باز نمود اثری جز نشانه عرق در آنها باقی نمانده بود.

۲ - شرحی است که بر «لمع» ابن جنی نوشته است.

۳ - عبارت از شرح اکبر و اوسط و اصغر است که بر مجموعه حماسه ابوتمام نوشته است. در عرض یکقرن اخیر شرح مزبور تا آنجائیکه اطلاع داریم ۴ مرتبه در اروپا و هندو مصر چاپ شده و نفیستترین آنها نسخه ایست که «فرایتاع» آلمانی

دودفه آنرا با فهرست کامل و ترجمه لاتینی در (۴ مجلد) در شهر بون بطبع رسانیده است. «مملقات عشر» و «تهذیب اصلاح المنطق» نیز چاپ شده است. نسخ خطی بقیه تالیفات

خطیب در کتابخانه های مهم عالم موجود میباشد

و غیره (۱) از خود بیادگار گذاشته است

عده‌ای از علمای عرب منجمله: «مطرزی»، «شیخ‌اسی»، «ابن الاصبیح»، «ابن الحججه»، «مصباح بن مالک»، «سراج‌الدین خوارزمی»، «خلیل بن احمد» و سایرین صدها اثر در موضوعات فوق‌الذکر تألیف کرده‌اند. ولی هیچیک از کتب و آثار آنان از قبیل «کتاب بدیعی»، «شعرابی البدیعیات»، «معانی بیان» و غیره نتوانسته‌اند با آثاریکه خطیب در قسمت شعر و ادب و عروض و قافیه و املاء و انشاء تألیف کرده است برابری نمایند.

خطیب تبریزی با «ابن القطاع الصقلی»، ناقد معروف عرب معاصر و آشنا بوده است. از آثار او «کتاب الافعال ابنیه الاسما»، «حواشی الصحاح»، «الشعراء الجزیره» (عراق عرب) را خطیب از لحاظ ادبی تهذیب و اصلاح نموده بدانها نیز در جهان ادب اعتبار و موقعیت مخصوصی بخشیده است.

اگر «کتاب الکافی فی علم العروض والقوافی» صدرالدین ساوی و یا «کتاب المفتاح» ابن‌عصفور و سکاکی را مورد مطالعه قرار دهیم ملاحظه خواهیم نمود که محتویات آنها بعینه تکرار افکار بدیع خطیب تبریزی است (که در کتاب «علم العروض والقوافی» عرضه داشته) خطیب پس از بحث درباره وزن، قافیه و ترکیبات بدیعی شعر - در مورد انتخاب مضمون و موضوع بخواننده وسعت فکر و فسحت نظر می‌بخشد. در شعر نوع حماسه سرائی را توصیه کرده مینویسد: «فن شعر در مرحله اول تخیلات شخصی شاعر را میرساند ولی رفته رفته از شاعر تجاوز کرده متوجه اقوام و طوایف میگردد و حب و بغضهای متقابل آنانرا بیان میکند.

شاعر دائماً از تصادفات و حوادث الهام میگيرد و خصوصیات منفی و مثبت

۱- نوشته «شمس‌الدین سامی» در «قاموس الاعلام» «سقط‌الزند» ابوالعلاء و «مملقات سبع» و مجموعه «مفضلیات» را نیز توضیح و تفسیر کرده است. «معرب القرآن» و «الکافی» نیز از تألیفات اوست.

مرحوم تربیت در کتاب «دانشمندان آذربایجان» با استفاده از منابع (دمیه القصر انساب‌المعانی، نزهة الالباء، معجم الادبا، مفتاح الجنان، وفيات الاعیان، شذرات الذهب، ریاض العلماء، روایات الجنان، اکتفاح القنوع بما هو مطبوع) علاوه بر تأیید آثار مذکور کتب: «تفسیر القرآن»، «مقائل افرسان»، «اسرار الصنعه» در نحو. «شرح کافیه ابن‌حاجب». و تهذیب کتب: «غریب‌الحديث» و «الالفاظ» توضیح و تفسیر قصائد (لامیه العرب و بانته سعاد و مقهورة ابن‌درید) را نیز ضمن تألیفات خطیب ذکر کرده است.

محیط را قید میکند. فن شعر در موقع لزوم باید در بهم بیوستن رشته مودت قومی با قوم دیگر و با در ایجاد کینه و عداوت میان طرفین بکار رود.

خطیب در قسمت کلام منظوم مکتب ادبی هومر را تبلیغ کرده مینویسد:
 « شعر بایستی تاریخ عصر خود باشد. و احساسات نوعی مردم و حوادث زمان را مثل آئینه‌ای منعکس سازد. شاعر نیز باید مورخ عصر خود و اشعارش گذشته از تخیلات بر اساس حقیقت نیز استوار باشد. »

همانطوریکه خطیب نوشتن داستانهای تاریخی و حماسی را بشعرا توصیه کرده است نکات موفقیت را نیز بدانها خاطر نشان ساخته میگوید: « لازمست هر شاعری سرگذشت اقوام مختلف و آثار تاریخی را بدقت مطالعه نماید»

در عصر خطیب و بعدها صدها آثار علمی و انتقادی برشته تحریر کشیده‌اند ولی هیچیک از آنها پایه و مقامیکه آثار خطیب نائل شده بودند نرسیده‌اند مثلاً کتاب المثل السائر و ادب الشاعر، ابن الاثیر و المعانی المخرعه و صناعة الانشاء، موفق الدین باینکه خود دارای اهمیت بسزائی میباشد ولی با آثار نفیسی که خطیب در علم عروضی تدوین کرده نمیتوانند برابری کنند.

همچنین اگر کتاب ربیع الاسرار، علامه زمخشری یا اثریکه حریری درباره انشاء تألیف نموده است، یا کتاب « تفصیل النشأتین » ابوالقاسم اصفهانی و یا « تذکره همدونیه » ابوالعباس محمد با آثار خطیب مقایسه شوند مقام شامخ خطیب و ارزش علمی آثار او بیشتر درک خواهد شد.

ابن مالک در علم عروض اثر بسیار نفیس و معتبری دارد. همچنین است عروض- ابورق، جوهری، لامیه، ابن حاجب، و با آثار عروضی ابن القفطان. ولی با اینکه آثار مذکور پس از خطیب تألیف شده‌اند مؤلفین نتوانسته‌اند بر افکار و مطالب و موضوعاتی که خطیب در اطراف آنها بحث کرده است، مطلب تازه‌ای اضافه نمایند و این دال بر ذکاوت خدا دادی و مقام ارجمند علمی خطیب میباشد.

تقلید علمای عرب از خطیب تبریزی بی سبب نبوده است چه او در زمان خلافت قائم بامر الله در مدرسه نظامیه بغداد سمت معلمی داشته و تولیت کتابخانه معظم بغداد را نیز عهده‌دار بوده است. وعده‌ای از علما و شعرای عرب من جمله ابن القفطان، شاعر و داستان نویس عرب افتخار شاگردی او را داشتند.

فعالتهای ادبی خطیب

هنگامیکه ابو محمد حریری (۱) اولین اثر خود یعنی « مقامات حریری » را بخلیفه بغداد تقدیم میکرد . - در تعیین ارزش علمی و ادبی اثر مزبور خطیب نیز شرکت داشت .

دیگر: آثار عالم مشهور و ابواسحاق زجاج، را تجزیه و تحلیل کرده است: مخالفین و ابواسحاق زجاج، را متهم بکفر ساخته و مدعی بودند که آثار او گمراه کننده و برای مطالعه مضر میباشد در نتیجه نسبت باخراج آثار او از مدارس و کتابخانهها از طرف او ایای امور دستورات لازم صادر شده بود. خطیب هنگام اشتغال در مدرسه نظامیه اوقات بیکاری خود را صرف تجزیه و تحلیل آثار او کرد.

روزی در اثناء تدریس یکی از طلاب در باره شخصیت ابواسحاق زجاج سئوالی نمود. خطیب چنین جواب داد:

« او یکی از علماء و فضلاء و محترمین و مقدسین عالیقدر سنه ۳۱۱ هجری بوده است. عقاید و مذهبش هیچگونه ضرری بدین مبین اسلام نداشته و ندارد - بجاه و جلال و حکام دنیوی اعتنائی نداشته است و این یکی از دهها خصائل پسندیده او محسوب میشود وی با شغل خطا کی امرار معاش میکرده است - آثار گرانبهای او را که بالغ بر ده جلد میباشد تمام مطالعه کرده ام شرحهایی که بر دو اوین ابن سیبویه نوشته و همچنین آثاریکه در علم عروض از خود بیادگار گذاشته است دارای اهمیت شایانی میباشد . »

دیگر از آثاریکه مورد انتقاد عالم بزرگ تبریز قرار گرفته دو اثر مهم (ابن ابوالاظهر نعوی) است که یکی عبارت از « تاریخ بغداد » و دیگری « الهرج والمرج » میباشد. کتاب اخیر درباره مستعین بالله و معتز بالله نوشته شده است.

خلاصه نظریه انتقادی خطیب بشرح ذیل میباشد: چون « تاریخ بغداد » ابن ابوالاظهر فاقد اسناد تاریخی و براساس روایات استوار میباشد لذا اهمیت علمی ندارد در مورد کتاب « الهرج والمرج » نیز باید گفت که واقعا اسم باسمائی است اگرچه

ممکن است در غیر این آثار نیز به بحث باطلی تصادف نمود. لیکن تار و پود این کتاب را اکاذیب و اباطیل تشکیل داده است که نمیتوان امثال آنرا در جرگه آثار علمی داخل نمود.

محیطی که خطیب در آن زندگی میکرد یعنی بغداد در آن زمان لانه ماجراهای سیاسی شده بود، تشتت آراء و عقاید سبب میشد که روز بروز از عظمت و قدرت سیاسی خلفا کاسته شود. موهومات و عقاید باطل بر منطق و استدلال مستولی شده رفته رفته ممالک اسلامی را ضعیف تر میساخت.

صرف نظر از اوضاع سیاسی، علت اصلی این تحول و پریشانی و سیر قهقرائی همانا اختلاف عقاید دینی و روحانی بوده است.

آنان که اندک سرمایه ای از معرفت داشتند از راه جهل و نادانی با ارباب فضل و صاحبان ذخائر علمی رقابت و دشمنی میکردند و با طرح نقشه ای موجبات تبعید یا زندانی شدن علما را فراهم میساختند و با محض تحقیر و اهانت آنها را در انظار عمومی مورد ضرب و شتم قرار میدادند.

بدانجهت خطیب از اظهار بعض حقایق و دفاع از اتهام کفری که باستادش ابوالعلاء معری نسبت داده بودند خودداری نمود. چون میترسید که بسر نوشت اسف انگیز والکندی، (که با آثار حیرت افزای خود در شرق و غرب شهرت بسزائی کسب کرده بود) دچار شود.

حادثه مصادره کتابخانه الکندی و مورد ضرب و اهانت قرار گرفتن او بفرمان خلیفه که در نتیجه سعایت فرزندان «موسی بن شاکر» بوده، همچنین جریان تبعید «سند بن علی» ایجاب میکرد که خطیب سکوت اختیار کرده از اظهار حقایق عدول نماید.

خلاصه: رقابتهای علمی بسرحد کمال رسیده بود، «ابن جوزیها» و امثالشان با اسلحه قاطع تکفیر میدان مبارزه را بعلماء تنگ ساخته بودند و آنها را با آسانی مغلوب میکردند. و چون بنا بمقضیات وقت و اوضاع اجتماعی، خلفا نیز از این وحشیت جانبداری میکردند، لذا آزادی گفتار و کردار نه تنها از خطیب بلکه از عموم علما و متفکرین سلب شده بود.

ابن جوزی در یکی از انهاماتش مینویسد: «از ظهور اسلام تا کنون سه عالم اعلان کفر کرده اند که اولی «ابن راوندی»، دومی «توحیدی»، سومی

«ابوالعلاء معری، میباشد.

با در نظر گرفتن اوضاع مذکور باید خطیب را درباره سکوت و عدم مدافعه از حقوق ابوالعلاء ذیحق بدانیم.

بعد از خطیب عالمی بنام «ابن العدیم»، در تألیف خود موسوم به «ابوالعلاء المعری»، با دلایل و براهین کافی ابوالعلاء را از تهمت‌های ابن جوزی مبرا ساخته است.

خطیب تبریزی در حالیکه برای اخلاف خود میراث گرانبهایی ادبی بیادگار گذاشته بود در

سال ۵۰۳ ه در بغداد بر حمت ایزدی پیوست (۱)



۱ - در اغلب تذکرها تاریخ وفات او سنه ۵۰۲ قید شده است. منجمه در کتاب دانشمندان آذربایجان چنین مسطور است: خطیب در بوم سه شنبه ۲۸ جمادی الاخری سنه ۵۰۲ بفاة در گذشته و قبرش در بغداد است (بقول سماعی در تبریز است) <